



مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای

سال پنجم، شماره بیستم، بهار ۱۳۹۳

دیپلماسی شهری، تحلیل نقش شهرها به عنوان بازیگر جدید عرصه روابط

بین‌الملل

سیدهدای زرقانی: دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران*

محمدجواد رنجکش: استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

منصوره اسکندران: کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۶، صص ۱۸۲-۱۶۳

چکیده

همگام با جهانی شدن و با رشد فناوری اطلاعات و توسعه شبکه‌های ارتباطی، شهرها در فضایی متشکل از جریانها به بازیگران اصلی حوزه ارتباط و اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. تمرکز و همگرایی حوزه‌های مختلف در شهرها نشان دهنده حرکت سریع جهان به سمت شهری شدن و توسعه هرچه بیشتر کلانشهرها و تبدیل آنها به شهرهای جهانی و در نهایت جهان شهرها است. در این فضا، شهرها با ارتقاء جایگاه اقتصادی، سیاسی، فن آوری، فرهنگی و زیرساختی خود از توان، نفوذ و اعتبار کافی برای اجرای فعالیت‌های دیپلماتیک برخوردار می‌شوند و در راستای فعالیت‌های خود شکل نوینی از دیپلماسی را نمایان می‌سازند که از آن با عنوان دیپلماسی شهری یاد می‌شود. این مقاله از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است و تلاش دارد به شیوه اسنادی و در چارچوب بحث دیپلماسی شهری، نقش و کارکرد شهرها را به عنوان بازیگران جدید روابط بین‌الملل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شهرها با ایفای نقش فراملی خود در زمینه‌های امنیت، توسعه، اقتصاد، فرهنگ، شبکه‌سازی، و حضور در سازمانهای بین‌المللی به بازیگرانی فعال در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: شهر، جهانی‌شدن، دیپلماسی شهری، روابط بین‌الملل

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

دیپلماسی به دانش ارتباط میان سیاست‌مداران و سران کشورهای جهان گفته می‌شود. از دیپلماسی تعاریف مختلفی بعمل آمده است، از جمله اینکه دیپلماسی عمل هدایت و اداره روابط میان کشورها به وسیله نمایندگان رسمی است و یا عملی است که دولت به کمک آن و از طریق نمایندگان رسمی و غیر رسمی خود و نیز سایر بازیگران با استفاده از مکاتبات و مذاکرات خصوصی، تبادل دیدگاه‌ها و فعالیت‌های پشت پرده، ملاقات‌ها، تهدیدها و دیگر فعالیت‌های مربوط به جمع‌بندی، هماهنگ‌سازی و تأمین منافع ویژه یا منافع عمومی کشور می‌پردازد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۶). دیپلماسی برحسب سنت همیشه به وسیله دیپلمات‌ها یا سایر نمایندگان دولتها که به دولت‌های دیگر معرفی می‌شده‌اند اعمال می‌شده است (Dembinski, 1988: 4-5). اما بروز برخی تحولات از جمله بهبود ارتباطات ناشی از پیشرفت شگرف فناوری‌ها، اعتقاد به قدرت افکار عمومی و توسعه مفهوم منافع مشترک، شاهد ارتقاء و تحول در عرصه دیپلماسی سنتی هستیم (Nicolson, 1960: 56). به عبارت دقیق‌تر، دیپلماسی سنتی، دیپلماسی را صرفاً امور بین دولت‌ها و مدیریت روابط میان کشورها و جستجوی منافع ملی می‌داند و از این رو قادر به پاسخگویی به پیچیدگی‌های فعلی جهان دیپلماتیک نیست (Costas, 2006: 6)، چرا که به اعتقاد صاحب‌نظران، در دنیای پس از جنگ سرد، قدرت در سطح گسترده تری پخش شده (کسینجر، ۱۳۸۳: ۵۶۹) و حاکمیت ملی و انحصار بازیگری دولتها که از مهمترین پایه‌های نظم وستفالیایی به شمار می‌رفت

در حال ضعیف شدن است و به شدت از سوی نیروهای فراملی، سازمان‌های غیر دولتی و دهها نوع بازیگر جدید نظیر سازمانها و نهادهای بین‌المللی و مدنی به چالش کشیده شده است (نقیب زاده، ۱۳۸۷: ۲). بر این اساس، دیپلماسی عمومی که شکل جدیدی از دیپلماسی است برقراری و بررسی تعامل میان بازیگران جدید عرصه بین‌المللی در کنار دولت‌ها را برعهده گرفته است (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۸). در این عرصه ما با مداخله فزاینده و حضور مقامات، سازمان‌ها و نهادهای محلی به عنوان بازیگران جدید در تعاملات بین‌المللی روبرو هستیم (سیمبر، ۱۳۸۷: ۱۴۳)، شهرها و نهادهای شهری یکی از این بازیگران جدید محسوب می‌شوند که به جمع بازیگران بین‌المللی افزوده شده‌اند و مفهوم جدیدی را تحت عنوان دیپلماسی شهری پدید آورده‌اند.

با این اوصاف شاید بتوان گفت در جهان کنونی، ورودی‌های متنوعی وارد عرصه دیپلماسی می‌شوند که نماینده گروه بندی‌های مختلفی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند. دیپلماسی شهری در بافت جامعه شبکه‌ای کلان شهرها و شبکه جهان شهرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بین نهادهای غیردولتی و یا میان‌بخش‌های دولتی و غیردولتی از قبیل شهرداری‌ها و مراکز نیمه دولتی، شرکت‌های فراملیتی و سازمانهای بین‌المللی از بازیگران اصلی حوزه دیپلماسی شهری محسوب می‌شوند که با تکیه بر توجه روزافزون به اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی و همسو با فرایند جهانی شدن و بهره‌گیری مناسب از فن دیپلماسی در حوزه مناسب و مشخصی از روابط که همان شبکه جهان شهرهاست برای افزایش

در ارائه درکی دقیق و روشن تر از عرصه بین‌المللی به منظور تأمین منابع و تحقق منافع ملی و اهداف سیاست خارجی بسیار با اهمیت تلقی می‌شود.

۱-۳- اهداف پژوهش

هدف اصلی این تحقیق بررسی و تدقیق تأثیرات منطقی موجود میان روابط شکل گرفته در مجرای دیپلماسی شهری بعنوان زیر شاخه ای از دیپلماسی عمومی در قالب موضوعی جدید و قابل بررسی در حوزه روابط بین‌ملتها است. به عبارت دقیق تر این پژوهش در پی آن است تا نحوه تاثیر دیپلماسی شهری را بر روابط بین‌ملتها و کشورها مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. بیان نقش و جایگاه بازیگران غیر دولتی و نیمه دولتی مختلف، بویژه شهرداری‌ها، نهادهای شهری، شرکت‌های چند ملیتی و... به عنوان کنش‌گران اصلی عرصه دیپلماسی شهری در راستای پاسخگویی به پرسش اصلی و پرکردن کاستی‌های موجود و غنا بخشیدن به ادبیات دیپلماسی شهری از اهداف نظری و کاربردی این نوشتار است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

دیپلماسی شهری حوزه مطالعاتی جدیدی است و به دلیل نو ظهور بودن این نوع دیپلماسی، در مورد ماهیت، مفهوم، نقش و کارکردهای آن آثار و تالیفات اندکی وجود دارد. در ادامه مطلب به اختصار به مهمترین آنها اشاره می‌شود. راجر وندر پلویم و جان ملیسن به منظور رفع ابهامات موضوع دیپلماسی شهری در مقاله ای با عنوان "دیپلماسی شهری: نقش روبه‌رشد شهرها در سیاست بین‌المللی" به بیان زمینه‌های نظری دیپلماسی چندجانبه و شهرمی‌پردازند و ضمن مفهوم‌سازی دیپلماسی شهری، ابعاد این نوع دیپلماسی (ارتباطی، اقتصادی، امنیتی و...) را تبیین می‌کنند. اثر دیگر در این زمینه با عنوان "فعالیت‌های

فرصت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال فن آوری، صدور خدمات و گسترش تجارت خارجی به منظور دسترسی به بازار جهانی و حفظ منافع خود در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی و بسط حوزه امنیتی خود تلاش می‌نمایند (موسوی شفا، ۱۳۸۹: ۲).

۱-۲- اهمیت و ضرورت

توجه به موضوع دیپلماسی شهری را باید معلول جهانی شدن دانست چرا که این امر مهم باعث تغییر و تحول در ماهیت نظام بین‌الملل و مفهوم حاکمیت گردید. بدین ترتیب در جامعه بین‌المللی دولت به تدریج جای خود را به جامعه بشری ملتها می‌دهد و مفهوم و کارکرد حاکمیت تعدیل می‌شود و در پی آن مفهوم تابعیت که ناظر بر تکالیف افراد در مقابل دولت‌هاست، جای خود را به مفهوم "شهروندی" که ناظر بر حقوق افراد نسبت به دولت‌هاست، سپرده است. در چارچوب نظم بین‌المللی جدید، کنشگران متعدد و متنوعی در کنار دولت‌ها نقش ایفا می‌کنند؛ نهادها و سازمانهای شهری، شهرداری، شوراهای شهر و... از جمله بازیگران و کنشگران جدیدی هستند که به عنوان نماینده مستقیم افکار عمومی و اراده مردم می‌توانند در بالاترین مقام اجتماعی آن شهر، در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، تحقیقاتی و حتی سیاسی با دیگر کشورها وارد مذاکرات همه جانبه شوند. بدون تردید ورود این بازیگران جدید در قالب دیپلماسی شهری در افزایش مناسبات دو جانبه کشورهای مختلف به ویژه کشورهایی که روابط ملت و دولت دارای تنش است، تاثیرگذار است و نقش مهمی در بهبود و افزایش مناسبات سازنده اقتصادی، فرهنگی و هنری ایفا می‌نماید. بر این اساس، شناخت نقش‌ها، کارکردها و بازیگران جدید عرصه دیپلماسی شهری

دیپلماسی سنتی، قلمرو جدید جهانی، شبکه‌ها و رسانه‌های ارتباطی، کنشگران جامعه مدنی جهانی، سازو کارهای دیپلماسی جدید در محیط جدید جهانی و بیان چارچوب‌های دیپلماسی عمومی نوین مهمترین فصول این اثر است.

۱-۵- سؤال‌ها و فرضیه‌ها

با توجه به مفهوم دیپلماسی شهری، بررسی دیپلماسی از چشم انداز جدیدی چون شهر در جایگاه موجود سیاسی پویایی که دربرگیرنده بازیگران فعال در حوزه بین الملل است، این سؤال را در ذهن متبادر می‌سازد که شهرها به عنوان بازیگران جدید عرصه روابط بین الملل چگونه و با چه شیوه‌هایی به ایفای نقش می‌پردازند؟ مفروض این مقاله با تکیه بر نظریات انتقادی و پست مدرنیسم که حاکمیت مطلق دولت‌ها را به چالش می‌کشد، آن است که در زمان کنونی شهرها، به خصوص شهرهای بزرگ در زمینه‌هایی چون صلح و امنیت، توسعه و رفاه، رشد اقتصادی، عضویت در سازمانهای بین المللی، شبکه سازی و تعاملات فرهنگی به بازیگری فعال در عرصه نظام بین الملل تبدیل شده اند.

۱-۶- روش تحقیق

گردآوری داده‌های پژوهش حاضر عمدتاً بر مبنای روش کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی صورت گرفته است. براین اساس کتب و مقالات مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که پژوهش حاضر از طریق گردآوری داده‌ها و بر تحلیل داده‌ها متمرکز می‌شود بنابراین سعی شد از روش توصیفی - تحلیلی نقش و کارکرد شهرها به عنوان یک بازیگر جدید در عرصه روابط بین الملل و ارتباطات جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

دیپلماسی شهری " است که توسط سیسل باریتو تونون تالیف شده است و در آن به موضوعاتی از قبیل خاتمه دادن به اختلافات و برقراری صلح بوسیله مشارکت شهرباشهر، تحلیل روانشناختی، موقعیتی و محیطی درگیری‌ها و پیشنهاداتی برای تقویت دیپلماسی شهری می‌پردازد.

بررسی تأثیر رویکرد دیپلماسی شهری بر افزایش رضایت ملی و محلی همراه با شناخت مؤلفه‌های قدرت اقتصاد جهانی در فضای جریان‌ها و همچنین بیان نقش شهرها در عرصه عملی تعاملات ملی و بین المللی هدف اصلی مقاله "دیپلماسی شهری (ابزاری برای توسعه ملی در عصر فضای جریانها)" است که حاصل تلاش پژوهشی دکتر مسعود موسوی شفائی از گروه پژوهشی روابط بین الملل و دیپلماسی شهری شهرداری تهران است. این پژوهش به تغییرات فضای مکانی و شکل‌گیری فضای جریان‌ها و همچنین رابطه نئولیبرالیسم و توسعه در فضای جریان‌ها بعنوان بسترهای بکارگیری دیپلماسی شهری می‌پردازد. در نهایت مرتضی قورچی و محمد امانی با تالیف مقاله "دیپلماسی شهری در فرایند جهانی شدن"، بر آن شدند تا به فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر مفاهیم حکمرانی جهانی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و همچنین دیپلماسی شهری و نقش آن در همکاری‌های بین‌المللی چند جانبه و ارتقاء موقعیت کلان‌شهرها بپردازند. در بین آثاری که به طور غیر مستقیم به این حوزه مطالعاتی پرداخته است می‌توان به کتاب "دیپلماسی در جهان در حال توسعه" اثر موسی الرضا وحیدی اشاره نمود که تلاش نموده است تا موضوعات جدید دیپلماسی در فضای جدید را در قالب فصول مختلف کتاب نشان دهد. کارکردهای

۷-۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

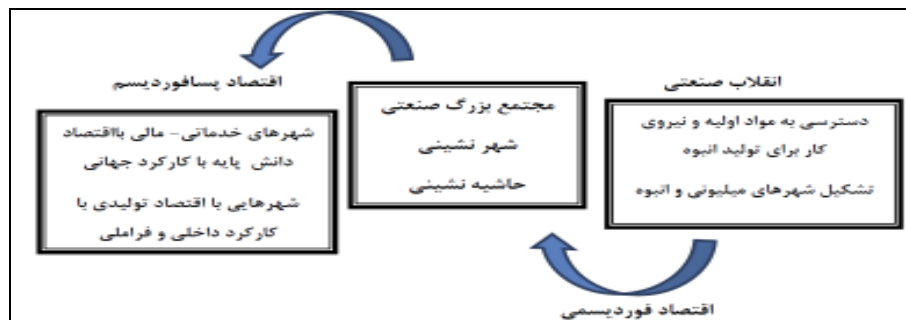
با توجه به پرسش اصلی، مسأله اصلی تحقیق و محدودیت‌های زمانی، سعی شده با لحاظ نمودن متغیرهای برجسته تر و تأثیرگذارتر در این حوزه به ارائه فرضیه اصلی پرداخته شود. پژوهش حاضر از نظر موضوع بر مفهوم دیپلماسی شهری از حوزه دیپلماسی عمومی در جایگاه متغیر مستقل و روابط بین ملت‌ها به عنوان متغیر وابسته و تأثیرگذاری آن بر شکل‌گیری و سطح روابط بین ملت‌ها در حوزه جهانی در عرصه جدید فضای جریان‌ها متمرکز شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- تحولات محیط بین‌الملل

بررسی و تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل در جهان امروزی کار پیچیده و دشواری است و مستلزم مطالعه دقیق دیدگاه‌های قابل انعطاف و تحلیل منطقی سوابق آنها و پیشینه روابط بین‌الملل است. دیپلماسی که یکی از مؤلفه‌های اساسی علم روابط بین‌الملل است نیز از این امر تبعیت می‌نماید. دیپلماسی چه در شکل سنتی و چه در قالب نوین خود تحت تأثیر تغییرات محیط بین‌المللی و تحولات آن قرار گرفته است.

بدین ترتیب در سراسر قرن بیستم، دولت - ملت به عنوان بالاترین پدیده سیاسی در سیستم بین‌المللی مورد قبول واقع شد (سیمبر، ۱۳۸۷: ۲۰). این روند تا آخر قرن بیستم در قالب اقتصاد فوردیسمی ادامه یافت اما با تحولات گسترده‌ای که در نظام سرمایه داری رخ داد موجب شد ساختار از فوردیسم به پسافوردیسم تغییر کند (قورچی، ۱۳۸۹: ۴۵). رویکرد پست مدرنیسم در سالهای ۱۹۸۰ با نقد مدرنیسم و فوردیسم که بر نظارت و نظام دولت-ملت‌ها استوار بود و در فضای سرمایه داری و صنعتی شکل می‌گرفت، ظهور کرد. جوامع معاصر بعد از مدرنیسم در وضعیتی نهادی قرار گرفتند که در آن تبادل اطلاعات جایگزین تولیدات صنعتی به عنوان محرک ابتدایی اقتصادی گردید و در این فرایند فناوری اطلاعات عنصر حیاتی محسوب می‌شد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۴). ماهیت متحول و تأثیرگذار اقتصادی محیط بین‌الملل از فوردیسم به پسافوردیسم و به عبارت دیگر سرمایه داری به فراسرمایه داری که از آن به سرمایه داری نوین نیز یاد می‌شود موجب تفوق محیط اقتصاد محور بر سیاست محور گردید که در آن امکان فعالیت گسترده تر سایر بازیگران جدا از دولت‌ها فراهم شد.



شکل ۱- تحول اقتصادی پس از صلح و ستفالیبا منبع: قورچی، ۱۳۸۹: ۴۵

۲-۲- جهانی شدن

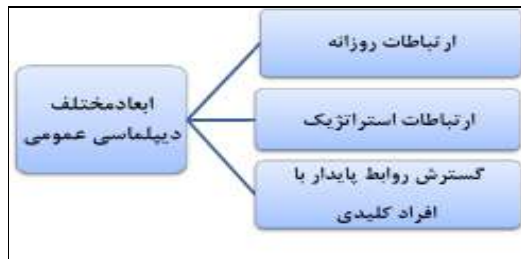
جهانی شدن و سرمایه داری مبتنی بر مصرف نیز علاوه بر تحول نظریه‌ها و ساختارهای اجتماع-اقتصادی، ارزش‌هایی ماوراء تعاریف برخاسته از دولت-ملتها می‌آفریند. شاخه شاخه شدن و تقسیم اقتصاد جامعه و سیاست به شعب بسیار زیاد در داخل و خارج از حیطه سرزمینی سبب شده تا دولت-ملت نتواند تمرکز و اقتدار گذشته را داشته باشد. مسائل مطرح برای دولتها بسیار زیاد و خارج از حیطه سرزمین و جمعیت خود شده و مؤسسات رقیب به تدریج سر رشته بسیاری از امور را به دست گرفته اند. حیطه بازار از درون مرزهای ملی فراتر رفته و دولت به شکل متمرکز امکان کنترل آن را ندارد. پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی نیز به تدریج به فراسوی مرزهای ملی گسترده شده اند. مجموعه این شرایط سبب شد تا دولت مدرن به تدریج دچار بحران شده و تعریف و جایگاهی را که در پروژه مدرن داشت، از کف بدهد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۵۶). در چنین شرایطی تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی دستخوش تحول می‌گردند. این تحولات که حاصل و دستاورد جهانی شدن هستند به انتقال قدرت از دولت‌ها به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در بالا و دولت‌های محلی و جامعه مدنی در پائین منجر می‌گردند و عرصه را برای حضور سایر بازیگران فروملی همانند شهرها فراهم می‌سازند (سیف زاده، ۱۳۶۹: ۲۰۷).

۲-۳- دیپلماسی عمومی

با تغییر ساختارهای جهانی، دیپلماسی نیز متحول می‌شود. کمرنگ شدن حاکمیت دولت‌ها، فناوری

اطلاعات و ارتباطات، رشد بازیگران غیر دولتی و آگاهی فزاینده مردم در سطح جهانی از اصلی‌ترین عواملی هستند که در تحول دیپلماسی نقش آفرینی می‌کنند. دیپلماسی جدید به منزله پدیده‌ای در بستر جامعه مدنی جهانی در حال شکل‌گیری است که در آن سازمان‌های غیر دولتی، مردم عادی، گروه‌های فشار، انجمن‌های تخصصی و نظایر آن خواستار حضور در مسائل بین‌المللی هستند. به نظر ایشان مسائل زیست محیطی، بحران دیون، نا برابری‌های اقتصادی بین الملل، جلوگیری از تنازعات، موضوعات مربوط به حقوق بشر و کمک‌های بشر دوستانه، ایدز و فشار جمعیت، جلوگیری از کشمکش‌های بومی و قومی، پدیده مهاجرت، پارادوکس‌های جهانی شدن و سایر بحران‌ها و چالش‌های فرا سوی جامعه بین‌المللی آنقدر در هم پیچیده شده اند که دولت-ملت‌ها و دیپلماسی سنتی و روش‌های موجود در آن به تنهایی نمی‌توانند با آن مقابله کنند. بنابراین، در دیپلماسی جدید حرکتی عمده با عنوان «دیپلماسی عمومی» در حال شکل‌گیری است (سلیمی، ۱۳۸۴: ۵۶). اصطلاح «دیپلماسی عمومی» به ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از راه ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی دلالت دارد (هادیان، ۱۳۸۸: ۹۰). در واقع دیپلماسی عمومی به مثابه فرآیندی برای ایجاد ارتباط با مردمان خارجی، تلاش برای به وجود آمدن درکی مطلوب از ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها، فرهنگ و نهادها و همین‌طور سیاست‌ها و اهداف ملی برای آن مردم تعریف می‌شود (Melissen, 2011: 2).

همه این ابعاد از اهمیت خاص خود برخوردار دارند، ضمن اینکه برای توفیق در این امر به عناصر متفاوتی چون اطلاعات دولتی بلاواسطه و روابط فرهنگی بلند مدت نیاز است (بیکی، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۳):



شکل ۲- ابعاد دیپلماسی عمومی

۲-۴- دیپلماسی شهری

در جهان امروز شهرها با ارتقاء جایگاه اقتصادی، سیاسی، فن آوری، فرهنگی و زیر ساختی خود از توان، نفوذ و اعتبار کافی برای اجرای فعالیت‌های دیپلماتیک برخوردار می‌شوند و در راستای فعالیت‌های خود شکل نوینی از دیپلماسی را نمایان می‌سازند که در دنیای دیپلماسی نوین از آن با عنوان دیپلماسی شهری یاد می‌شود (UCLG, 2006: 2). شهرهای جهانی پدیده‌های نوظهوری هستند که در متن اقتصاد جهانی به‌عنوان مکان‌های پیوند دهنده شبکه اقتصاد جهانی عمل می‌کنند و سبب شکل‌گیری فضای جریان‌ها و به‌وجود آمدن کانون‌های قدرت نوظهور در نقشه جغرافیای سیاسی جهان شده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۸). علاوه بر این در جهان امروز با چندلایه شدن جوامع، دیپلماسی رسمی به تنهایی قادر به شناسایی، مدیریت و تأمین تمامی نیازهای شهروندان خود در تعاملات بین‌المللی نیست، چرا که وابستگی متقابل شهروندی میان ملت‌ها، گسترده و فراگیر شده و جوامع نیازمند نماینده‌های متخصص به ویژه در زمینه‌های شهری می

هستند. اصلی نظریه‌ی دیپلماسی عمومی، ارتباط کنترل شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها و سرانجام تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آن‌هاست. در همین چارچوب، دیپلماسی عمومی فعالیت‌هایی را در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ، با هدف تأثیرگذاری بر دولتی خارجی، از راه تأثیرگذاران بر شهروندان آن هدایت می‌کند (گیلبوآ، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۰). در واقع بر خلاف دیپلماسی سنتی که عمدتاً روابط دولتها با یکدیگر (G2G) ۲ را در بر می‌گیرد، در دیپلماسی عمومی هم دولتها و هم افراد و گروه‌های خصوصی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، آندسته از عقاید و نگرش‌هایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که مستقیماً بر تصمیمات سیاست خارجی دولت دیگر تحمیل می‌شوند (Taylor, 2009: 6). به عبارت دقیق‌تر، دیپلماسی عمومی بر ادغام بازیگران دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی تأکید می‌کند و بخش خصوصی طیف وسیعی از شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی تا کارشناسانی که در سطح جهانی مطرح هستند را در بر می‌گیرد. بر این اساس می‌توان بازیگران عرصه دیپلماسی عمومی را شامل وزراء، سفرا، شرکت‌ها و گروه‌های تجاری، دانشگاهیان و مراکز فکری و تحقیقاتی و سازمان‌های غیردولتی دانست (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۴).

صاحب نظران ابعاد مختلفی را برای دیپلماسی عمومی متصور هستند، از جمله این صاحب نظران جوزف نای است، که از نظر وی دیپلماسی عمومی به طور خلاصه دارای سه بعد است (شکل ۲). از نظر نای، برای کمک به خلق تصویری جذاب از یک کشور

2Government-to- Government

باشند تا از این طریق بتوانند علاوه بر اینکه به مشکلات عدیده که در میان تمامی ملت‌ها مشترک است فایق آیند، بتوانند از فرصت‌های بومی خود نیز بهره مند شوند. از طرفی دیپلماسی رسمی در خدمت اهداف کلی و سیاسی است که به نوعی بازوی سیاست خارجی دولت‌های ملی محسوب می‌شود، از اینرو دیپلماسی شهری به عنوان ابزاری در خدمت نمایندگان نهادها و سازمان‌های مدنی در مدیریت نیازهای شهروندان قرار می‌گیرد (قورچی، امانی، ۱۳۸۸: ۲۳).

- بازیگران عرصه دیپلماسی شهری

با توجه به ساختار اجتماعی و سیاسی هر جامعه، بازیگران مختلفی در دیپلماسی شهری آن جامعه فعالیت می‌کنند. اما فعالان برجسته این حیطه شامل شهرداران، انجمن‌های شهری، سازمان‌های غیردولتی، نمایندگان دولت‌های محلی و شهروندان و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی هستند که با توجه به تفاوت محیطی که می‌بایست در آن به فعالیت پردازند، وظایف متفاوتی را برعهده می‌گیرند (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۵۴). آنچه موجب حضور این بازیگران در عرصه دیپلماسی شهری می‌گردد حس همیاری نسبت به سایر بخش‌هاست. البته حضور افراد و نقش آفرینی آنها در مسائل سیاسی بین‌المللی و بنابراین مشارکت در توسعه از دلایل مهم دیگری هستند که شرکت در فعالیت‌های دیپلماسی شهری را قابل توجه می‌سازد. آنچه توجه به دیپلماسی شهری را در تحقیقات اخیر برجسته تر می‌سازد نقش و نفوذ این بازیگران در حوزه فعالیت‌های بین‌المللی و جهانی است.

- انواع دیپلماسی شهری

صاحب نظران بر اساس نگرش‌های مختلف به طبقه بندی دیپلماسی شهری پرداخته‌اند. برخی معتقدند دیپلماسی شهری دارای دو بعد ملی و بین‌المللی است. از دیدگاه این عده از نظر بین‌المللی، می‌بایست این نکته مهم در دیپلماسی شهری مدنظر قرار بگیرد که مشارکت شهر با شهر، توسعه فعالیت‌های مستقل از دستورالعمل‌های دولت را ممکن می‌سازد و امکان پاسخگویی بهتر به نیازهای واقعی افراد جامعه را برای شهرداری‌ها و دولت‌های محلی فراهم می‌سازد (Thonon, 2006: 18). برخی دیگر از اندیشمندان معتقدند می‌توان دیپلماسی شهری را در دو دسته عمده، شامل دیپلماسی شهری دو جانبه و دیپلماسی شهری چندجانبه تقسیم نمود. بر این مبنا، دیپلماسی شهری دو جانبه همانطور که از نامش پیداست به همکاری‌های دو جانبه شهر با شهر ۳ می‌پردازد و در قالب همکاری‌های بین‌المللی شهر با شهر و تفاهم نامه‌های بین‌المللی دو جانبه مصداق پیدا می‌کند. نوع دوم، دیپلماسی شهری چند جانبه است؛ به عقیده صاحب نظران با توجه به اهمیت مسائل و چالش‌های فرامرزی برای تمامی جوامع شهری، راه‌حل‌های یک جانبه و همکاری‌های بین‌المللی دو جانبه در بسیاری از موارد نتوانسته است تامین کننده نیازهای بشری و به خصوص موضوعات شهری باشد؛ به ویژه روند جهانی شدن، منجر به مشکلات و فرصت‌های جهانی و فراگیر شده است که مشارکت و همکاری چند جانبه کلان‌شهرها را می‌طلبد و هیچ شهری به خصوص کلان‌شهرها نمی‌تواند ادعا کنند که به

به ابزاری در خدمت دولت‌های محلی و انجمن‌ها و مؤسسات وابسته به آنها تبدیل شده است که برای ارتقاء انسجام اجتماعی، جلوگیری از نزاع و کشمکش، رفع و حل درگیری و بازسازی در دوران پس از جنگ از آن کمک می‌گیرند و هدف نهایی آن ایجاد محیطی پایدار است که در آن شهروندان در کمال صلح و رفاه و دموکراسی زندگی کنند (Bartomeu, 2006: 2).

به طور کلی دیپلماسی شهری و متعاقب آن سیاست خارجی شهرها دارای ابعاد و کارکردهای مختلفی هستند. این ابعاد را می‌توان از پنج کارکرد دیپلماسی یعنی: تسهیل ارتباطات، مذاکره، جمع‌آوری اطلاعات، ممانعت از کشمکش و اختلافات و نمادین ساختن وجود یک جامعه بین‌المللی استنباط نمود (Pluijm, 2007: 19). در ادامه مطلب مهمترین نقش و کارکرد شهرها به عنوان بازیگران جدید عرصه بین‌المللی در قالب دیپلماسی شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱- برقراری صلح و امنیت

به طور قطع اولین هدف همه ارتباطات دیپلماتیک، رفع تهدید از منافع یک کشور است و اساسی‌ترین منافع هر کشور امنیت آن است (Panikkar, 1957: 21). به تناسب نیازهای گوناگون جوامع بشری، عوامل مختلفی می‌توانند منازعات بین‌المللی را بوجود آورند. شدت این منازعات در نقاط مختلف جهان بسته به میزان اهمیت استراتژیک هر منطقه متغیر است (مجتهدزاده، ۱۳۸۸: ۱). پایان موازنه قدرت میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و افزایش اختلافات داخلی پس از آن میان آفریقا، آسیا و اروپا، مسائل سیاسی اجتماعی جدیدی را ایجاد نمود. اگرچه زمان

تنهایی قادر به تامین نیازمندیهای خود هستند (اسکندران، ۱۳۹۱: ۸۸).

لازم به ذکر است، هرچند شهرهای جهانی و کلان‌شهرها با ویژگی پیشروی در شبکه جهانی و اقتصاد جهانی از توانمندی‌های فراوانی در این عرصه برخوردارند اما نهادها و سازمان‌های بین‌المللی چندجانبه این فرصت را برای شهرهای کوچک نیز فراهم می‌کنند تا بتوانند با دیپلماسی قوی و فعال از فرصت‌های موجود، استفاده برابر داشته باشند. در دیپلماسی چندجانبه، شهرها صرف‌نظر از میزان اعتبار و اهمیت شان، از حق برابر برای شرکت در مذاکرات برخوردارند. بطوری که نماینده شهرداری متناسب با دیگر شهرهای جهانی حق شرکت در تمامی جلسات را داشته و می‌تواند با تمامی نمایندگان به چانه‌زنی بپردازد (امانی، ۱۳۹۰: ۲۱).

۳- تحلیل یافته‌ها

براساس گفته کاستلز، جهانی شدن معاصر بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های سرمایه داری و دولت سالاری در دهه ۱۹۷۰ و تجدید ساختار متعاقب آنها. این سه فرایند در ارتباط متقابل با یکدیگر پایه و اساس جامعه شبکه ای را که اقتصاد جهانی، اقتصاد اطلاعاتی و فعالیت‌های اقتصادی شبکه ای است را بنیان نهادند. (قورچی، ۱۳۸۹: ۴۷). همچنین جهانی شدن بازارها، تولید، فن‌آوری و امور مالی و سیاست شهری پسا کینزی، به طور چشمگیری به افزایش رقابت بین شهرها کمک نموده است (شورت، ۱۳۸۴: ۱۷۰). در چنین فضایی شهرها به بازیگرانی جدید و فعال در عرصه بین‌الملل تبدیل شده اند و دیپلماسی شهری

زیادی برای رفع و حل این اختلافات از سوی دولتها صرف گردید اما در سالهای اخیر گروه‌های جدیدی چون سازمان‌های غیردولتی^۴، بخش‌های تجاری، جامعه مدنی و گروه‌های مذهبی پدیدار شده‌اند که نقش مهمی در حل اختلافات بین‌المللی ایفا می‌کنند (Pluijm, 2007: 20-22). در این میان و علی‌رغم این حقیقت که بسیاری از افراد، حل اختلافات را وظیفه اصلی شهرها نمی‌دانند؛ در سال‌های اخیر رفع اختلافات و برقراری صلح به بعد مهم دیپلماسی شهری تبدیل شده است. بدین ترتیب شهروندان مناطقی که دچار کشمکش بوده‌اند مثل کلمبیا، کوزوو و سیرائون و حتی شهرهای واقع در محیط‌هایی که هم‌اکنون دچار اختلاف و کشمکش هستند مثل عراق، اسرائیل و سرزمین‌های فلسطین و سریلانکا به صورت بسیار فعالی در حل اختلافات و برقراری صلح ظاهر شده‌اند.

البته در این بین این سؤال مطرح است که چرا در حوزه حل اختلافات نقش شهرها قابل توجه و مهم است؟ شاید مسلم‌ترین دلیل مداخله شهرها و توفیقات نسبی آنها در این حوزه، آن باشد که قربانیان عمده این اختلافات اغلب اوقات افراد محلی هستند و دولت‌های محلی و شهرها جزئی از گروه‌های سیاسی هستند که بیشتر از سایرین در قبال حفاظت از سایر شهروندان و کمک در برقراری صلح و توسعه و پیشرفت احساس مسئولیت می‌کنند. در یک ناحیه مستعد کشمکش، تقاضای کمک بیشتر از سوی دولت محلی صورت می‌پذیرد و این مطلب به این خاطر است که دولت‌های محلی لایه ای حکومتی هستند که

اختلافات را بیش از همه و بطور مستقیم تجربه می‌کنند. دلیل دوم این است که شهرها ارتشی در اختیار ندارند و نیروهای نظامی در انحصار دولت‌هاست، در این شرایط، شهرها مایل به حل اختلاف از طریق غیرنظامی هستند. علاوه بر این، وابستگی کمتر شهرها به جامعه بین‌المللی به نسبت دولت‌ها، کمتر موجب ایجاد میل به تکرار می‌گردد و شهرها تلاش می‌کنند تا از طریق تعاملات چندجانبه و گوناگون بحران‌ها را حل و فصل نمایند. بر این اساس، این عوامل شهرها را در قیاس با دولت‌ها به بازیگرانی فعال مبدل ساخته است (Wijne, 2010: 13). فعالیت‌های خاص دیپلماتیک شهرها در مناطقی که درگیر اختلاف هستند به سه دسته تقسیم می‌شوند: فعالیت‌های پیش از منازعه، حین منازعه و پس از منازعه. در مورد آن دسته از فعالیت‌های (دیپلماتیکی) که قبل از ایجاد اختلاف و شکل‌گیری هرگونه نزاعی انجام می‌شوند و دیپلماسی بازدارنده^۵ نامیده می‌شود (Canill, 2000: 29) می‌توان به مواردی چون تلاش سازمان‌های شهری آمریکایی در سال ۲۰۰۳ به منظور ممانعت از جنگ آمریکا و عراق اشاره کرد که اولین نمونه از چنین فعالیت‌های دیپلماتیک است. نوع دوم فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها در این حوزه، شامل فعالیت‌هایی است که در زمان درگیری انجام می‌گردد. حضور شهرهای اروپایی در مسئله سرزمین‌های فلسطینی به ویژه اکنون که دولت‌ها نمی‌توانند با دولت حماس مشارکت نمایند (Pluijm, 2007: 20-22)، فعالیت انجمن کلان شهرهای هلندی (VNG) و شبکه اروپایی مقامات

5 Preventive Diplomacy

4 NGOs (Non-Governmental Organization)

بخش از دیپلماسی شهری می‌پردازد. یکی از برنامه‌های این سازمان، تمرکز بر مشارکت بین شهرهای آمریکایی و مجامع عراقی است. بطور مثال می‌توان از مشارکت شهرهای دالاس و کرکوک در انتقال کمک‌های مردم دالاس به کودکان کرکوک نام برد. همچنین می‌توان به مشارکت منطقه ای دنور و بغداد در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد که در این برنامه دنور میزبان ۱۸ نماینده از مقامات عراقی به مدت دو هفته بمنظور یادگیری اموربازرگانی، آموزشی و اجرایی بود. سایر موارد مشارکت دو شهر فیلادلفیا و موصل و یا برنامه مشارکتی شهرهای توسکان و سلیمانیه قابل ذکر است که مجموعاً در قالب فعالیت‌های شهرها در مرحله پس از منازعه است (Hemert, 2008: 174)

تعداد مصادیق موجود در این حوزه از دیپلماسی شهری نشان می‌دهد که اکنون شهرها بیش از پیش در مراحل مختلف درگیری و اختلاف حضوری فعال دارند. تشکیل کمیته ویژه فدراسیون جهانی دولت‌های محلی (اتحادیه شهرها و دولت‌های محلی) ۷ به منظور تمرکز بر شهرها در محل‌های دچار اختلاف، نشانه آشکاری از سرعت پیشرفت‌های جدید بعد امنیتی دیپلماسی شهری است (Pluijm, 2007: 20-22). شایان توجه است که هدف دیپلماسی شهری تنها کمک به خاتمه دادن به کشمکش‌های محلی نیست بلکه بعنوان یکی از شروط برقراری صلح به شناسایی و ریشه کن کردن دلایل ساختاری کشمکش نیز می‌پردازد (UCLG, 2006: 1). در مجموع می‌توان گفت دیپلماسی شهری شامل سه کارکرد متفاوت در زمینه برقراری صلح و امنیت است، که عبارتند از:

محلی (ELPME) که ابتکاری از مقامات محلی اسپانیا، بلژیک، فرانسه، یونان و ایتالیاست از این نوع فعالیت‌های دیپلماتیک است. این فعالیت اهدافی چون ارتقاء و گفت‌وگو میان شهرهای اسرائیلی و فلسطینی، نفوذ در اتحادیه اروپا برای ایجاد جنبشی بزرگتر و حمایت از برقراری صلح بین این دو کشور را دنبال می‌کنند. پروژه‌های این سازمان‌ها بر توسعه اقتصادی و اجتماعی در زمینه‌هایی از قبیل آب، بهداشت، آموزش، امکانات رفاهی، خدمات اجتماعی، کشاورزی و موارد زیرساختی نیز متمرکز می‌باشد (Hemert, 2008: 174). همچنین حضور شهروندان کشورهای مختلف در قالب کاروان‌های صلح به غزه نمونه‌های جالب توجهی از این نوع فعالیت‌ها است (اسکندران، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

آخرین دسته فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها در حوزه اختلاف و منازعه، آندسته از فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که پس از پایان یافتن اختلاف اجرا می‌شوند. بسیاری از برنامه‌های بازسازی پس از جنگ از سوی دولت‌های محلی را می‌توان از این دسته دانست. جدا از برنامه‌های توسعه، بسیاری از فعالیت‌های دیپلماتیک پس از جنگ ارائه شده و بهبود ساختارهای دموکراتیک را مورد توجه قرار داده‌اند. بطور مثال شهر هلندی ردن با کمک دیگران از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها از ادغام دو دولت بوسنیاک و بوسنین کرووات در شهر فوجینیکا واقع در مرکز بوسنی حمایت نمود. همچنین سازمان بین‌المللی خواهرخواندگی شهرها ۶، از طریق مشارکت بین مجامع ملل متحد و مجامع خارجی به فعالیت در این

گام‌های شبکه پاسخگویی داخلی از طریق استقرار مجموعه ای از متخصصین هلندی طراحی و اجراء شده است. همچنین ایجاد مؤسسات دولت محلی از طریق ایجاد ادارات اجرایی، آموزش کارمندان، ارائه ساختارهای سیاسی، ارزیابی منظم برنامه‌های استراتژیک در کشورهایی که چنین سازمان‌هایی برای اولین بار تأسیس کرده اند مانند فلسطین، رومند، آلبانی، بوسنی، بروندی و کامبوج نمونه‌هایی از این دست می باشند (knip,2009:7).

وضعیت دیپلماتیک این نوع توسعه نیز متفاوت است. گاهی اوقات ارتباط مستقیمی میان شهرداران شهرها برقرار می‌شود درحالی که در برخی موارد، روابط از طریق بخش خدمات اجتماعی و یا سازمان‌های شهروندی جریان می‌یابد که به برقراری ارتباطات بین المللی به نمایندگی حکومت‌های شهری می‌پردازند (Pluijm,2007:23-25). کمک به افزایش ظرفیت مقامات محلی در زمینه مدیریت مالی و برنامه ریزی مشارکتی از طریق برنامه حمایت دولت محلی و کاهش فقر در کنیا، بهبود ظرفیت شهرداری‌ها در شمال شرق صربستان در زمینه کنترل منابع مالی محلی از طریق اجراء برنامه‌های وضع، جمع آوری و مدیریت مالیات، کمک به دولت مرسین ترکیه در اجراء رهنمودهای سیاسی اتحادیه اروپا و ارائه آموزش مدیریت مالی، مدیریت منابع انسانی، برنامه ریزی استراتژیک و ارتباطات و... نیز در این راستا قابل ذکر است (knip,2009:6). گاهی اوقات نیز کمک به فرایند توسعه از طریق انجمن‌های شهرداری و یا خدمات اجتماعی به نمایندگی از طرف دولت محلی ارائه می‌شود. از این دست می‌توان به فعالیت‌های شهرهای

- بالابردن آگاهی در سطح محلی در مورد موقعیتی خاص و ارائه انواع حمایت‌ها.
- فشارسیاسی برای حصول اطمینان از اینکه این فشارهای سیاسی به ارتقاء مذاکرات صلح کمک می‌کند.
- همکاری در زمینه حمایت از عملیات مشارکتی بین شهرها و تبادل دانش و اختصاص بودجه برای پروژه‌ها و عملیات پایدار (Thonon2006:67-66).

۳-۲- کمک به فرایند توسعه

نهادهای و جوامع محلی اغلب اوقات نقش مهمی در کمک به توسعه ایفا می‌کنند. بنابراین، اینکه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی در طول زمان با پروژه‌های رشد و توسعه درهم ادغام شده اند، عجیب بنظر نمی‌رسد، مخصوصا از زمانی که تعداد بسیاری از شهرهای مختلف جهان با شهرهای اروپای غربی و آمریکا خواهرخوانده شدند، شهرها به بازیکنانی مقتدر در حوزه رشد و توسعه تبدیل شدند. از فعالیت‌های شهرها در راستای توسعه می‌توان به کمک بشردوستانه و کمک فوری بعنوان کمک‌های شهری اشاره نمود. کمک‌های بشردوستانه بر بحران‌های بلند مدت متمرکز هستند، درحالی‌که کمک‌های فوری در زمان بحران‌های ناگهانی ارائه می‌شوند. نمود این گونه فعالیت‌ها متفاوت است و در دامنه ای که از دادن وام و انتقال وجوه بین المللی و ساخت مدرسه گرفته تا تبادل فن آوری و اطلاعات و ارتقاء دموکراسی از طریق اصلاح حکومت محلی گسترده شده است قرار می‌گیرد (Pluijm,2007:23-25). به عنوان نمونه، طرح‌های عملیاتی توسعه پایدار به منظور بالابردن توان پاسخ گویی شهری در تانزانیا و آفریقای جنوبی بعنوان اولین

سایر شهرها پردازند. شهرهای بسیاری در جهان پیشرفته، سازمان اقتصادی خاصی را برای جذب انواع سرمایه در شهرها اختصاص می‌دهند. جهان شهرهایی مثل توکیو، نیویورک و لندن با تبدیل شدن به مرکز فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از اعتبار خاصی برخوردارند. این اعتبار موجب شده است که سود اقتصادی هریک از این سه شهر با سود کشورهای با اقتصاد متوسط مثل کانادا، سوئد و اسپانیا یکسان باشد. نظریه برند شهری بعد قابل توجه این بازی دیپلماتیک است. برند شهری به معنای به کارگیری مدل‌های بازاریابی تجاری در شهرها و تبدیل نمودن یک شهر به یک برند تجاری است که موجب راه اندازی انجمن‌های مختلف اقتصادی می‌گردد. بنابراین عجیب نیست که این جهان شهرها، از سازمان‌های بزرگی برای جذب سرمایه بیشتر و پایه گذاری مراکز اصلی مشارکت‌های چند ملیتی استفاده می‌کنند. صرف ده درصد از منابع عمومی برای توسعه دیپلماسی شهری و مشارکت شهرها بایکدیگر موجب جابه جایی گسترده تر منابع در سطح محلی می‌گردد که مانند کاتالیزوری برای سرمایه گذاری‌های جدید عمل می‌کند و تأثیرات آن را چند برابر می‌سازد. از آنجا که مسائل اقتصادی از مهمترین ابعاد توسعه محسوب می‌شوند دیپلماسی شهری از این طریق به رشد اقتصادی شهرها و بالارفتن رتبه آنها در میان شهرهای جهان می‌پردازد (CERFE, 2003, 46-50).

صدور خدمات و دانش روش دوم تضمین سود اقتصادی شهرهاست. در این مسیر پیوستن به پیمان‌های همکاری با شهرهایی که منافع تجاری یکسانی دارند رایج است. همکاری بین شهرهایی

هزاره که به منظور دستیابی به اهداف توسعه هزاره (MDGs) ۸ اجرا می‌شوند اشاره نمود؛ که در آن صدها شهر از کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت از سراسر جهان برای ریشه کن کردن فقر و گرسنگی، دستیابی به آموزش اولیه و ارتقاء برابری جنسیتی شرکت کردند (Pluijm, 2007: 23-25).

۳-۳- پیوند با اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی

جهانی شدن تجارت و سرمایه گذاری به معنای برقراری روابط مالی به عامل بسیار مهمی در سلامت اقتصادی داخلی و بین‌المللی تبدیل شده است (Rourke, 2008: 383). از این رو ارتقاء دیپلماسی شهری برای توسعه ضروری بوده و کار با سرمایه داران مهم در سطح جهانی ابزاری مفید برای دستیابی به نتایج قابل توجه در سطح محلی است (knap, 2006: 2). در شرائط کنونی فرصت توسعه سازمان‌های غیردولتی بمنظور استفاده از بازارهای جهانی رو به رشد در حمایت از کاهش فقر، توسعه با استفاده از فرصت‌های جدید فناورانه و مشارکت در شکل‌های جدید فعالیت‌های جهانی و محلی که با ظهور مؤسسات و شبکه‌های جامعه مدنی جهانی امکان پذیر شده است گسترش یافته است (Ruet, 2009: 160).

دیپلمات‌های شهری از دو طریق، اول از طریق جذب توریست، شرکت‌های سرمایه گذار خارجی، سازمان‌های بین‌المللی و بستر سازی برای رخدادهای بین‌المللی (Vour'h, 2003: 27) و دوم از طریق صدور خدمات و دانش می‌توانند سود اقتصادی فعالیت‌های شهری را تضمین کرده و به مشارکت با

چون روتردام و شانگهای نمونه مناسبی از کارکرد اقتصادی دیپلماسی شهری است. جدا از اعلام دوستی و همکاری، این پیمان‌ها ابتدا به منظور تبادل تجربیات و خدمات شکل گرفته اند (اسکندران، ۱۳۹۱: ۱۴۲). تمام تلاش اعضاء شانگهای از تأسیس این سازمان این بوده است که با ایجاد اتحادیه همکاری منطقه‌ای، شرایط را برای همکاری‌های بلندمدت اقتصادی، بازرگانی، تجاری و امنیتی فراهم سازند (یزدان پناه درو، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

۳-۴- تعاملات فرهنگی

نخستین بار ایوشومی، جامعه شناس فرانسوی اعلام کرد که فرهنگ، از یک بعد سیاسی نیز برخوردار است. بدین ترتیب وی نظر عده‌ای از متخصصین روابط بین‌الملل را به این نکته مهم معطوف گردانید که اساساً فرهنگ بر روی رفتار و کنش‌ها در سیاست خارجی و رفتارهای بین‌المللی کشورها در عرصه سیاست جهانی اثر می‌گذارد (خراسانی، ۱۳۸۹: ۵۵). با تحلیل کلی تأثیرات فرهنگ بر روابط بین‌المللی، در می‌یابیم که درست همانطور که فرهنگ در دیپلماسی کشورها مهم است، این عنصر در دیپلماسی شهری نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. تلاش‌هایی که تحت هریک از عناوین دیپلماسی عمومی، فرهنگی یا ارتباطی انجام می‌شود در نهایت به تماس فرهنگی میان فرهنگ مبدأ و مقصد می‌انجامد (درویش، ۱۳۸۴: ۳۲).

از بررسی پیمان‌های همکاری میان شهرها چنین برمی‌آید که امروزه جدا از پروژه‌های خواهرخواندگی شهرها، فرهنگ نقش مهمی در دیپلماسی شهری ایفا می‌کند و فراهم ساختن امکان برقراری ارتباط متقابل

جوانان با فرهنگ‌های متفاوت از طریق برنامه‌های فرهنگی و ورزشی، سامان دهی بازدیدهای فرهنگی مقامات شهری از شهرهای دیگر و ارائه رهنمودهایی در جهت ارتقاء توسعه فرهنگی تنها نمونه‌هایی از فعالیت در بعد فرهنگی دیپلماسی شهری هستند (Pluijm, 2007: 27). فعالیت‌های دیپلماتیک در حوزه تبادل ارزش‌هایی چون آزادی بیان، دین و برابری جنسیتی بخشی از ابعاد گسترده تر روابط فرهنگی است. اگرچه دیپلماسی فرهنگی بخش مهمی از فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها را تشکیل می‌دهد اما برخی از پژوهشگران اظهار می‌دارند که از ظرفیت کامل این مورد استفاده نمی‌شود. فرصت‌های مشارکت در جامعه پذیری و رشد اجتماعی افراد و ثبات اقتصادی و سیاسی جوامع مهم هستند و جوانان نقشی کلیدی در سازمان دهی شرایط زندگی بهتر در جوامع شهری ایفا می‌کنند. بطور مثال این امر را می‌توان بخوبی در فعالیت‌های جوانان در ابتکارات شهری در آمریکای لاتین مشاهده نمود (Martine, 2008: 255). ضمن اینکه تبادل رسانه‌ای شکل دیگری از ابزار موفق دیپلماسی شهری است که به انتقال اطلاعات کمک می‌کند. رسانه‌ها می‌توانند با برقراری ارتباط میان ژورنالیست‌ها و مردم، امکان انتقال اخبار و ایجاد تفاهم در عامه مردم را فراهم کرده و تعاملات فرهنگی بین‌المللی را رونق بخشند.

۳-۵- گسترش شبکه‌ها و توسعه مشارکت‌های بین

المللی

شبکه‌ها فراسوی ساختارهای ملی حرکت می‌کنند. بنابراین اعضاء یک گروه منطقه‌ای می‌توانند توانایی و تأثیر خود را در بازیگرها و نقش آفرینی‌های گوناگون

شهرها را در سطح ملی نمایان می‌سازند و از آن دفاع می‌کنند.

اخیرا تلاش‌های دیپلماتیک جدا از پروژه‌های خواهرخواندگی به سوی مشارکت‌های بین‌المللی میان شهرها هدایت می‌شوند. بطور کلی بنظر می‌رسد که هرچه بیشتر می‌گذرد شبکه‌های بین‌المللی در مرحله دیپلماتیک جایگزین جامعه بین‌المللی دولت‌ها می‌گردند، که شهرها در شکل‌گیری این پدیده نقش اصلی را ایفا می‌کنند. از میان نمونه‌های مختلف می‌توان به پروژه‌های شهرهای مگا که ارتباط میان ۱۸ ناحیه از بزرگترین کلان‌شهرهای جهان را به منظور تبادل ایده‌ها، ابداعات و فن‌آوری‌ها به یکدیگر می‌پیوندد و یا جلسات M4 که در آن شهرداران چهار شهر بزرگ اروپا- برلین، مسکو، پاریس و لندن- به منظور بحث در مورد چالش‌هایی که با آن روبرو هستند شرکت می‌کنند، نام برد (Pluijm, 2007: 27-30).

۳-۶- نمایندگی و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

کارکرد نمایندگی دیپلماسی شهری بر برداشت ذهنی افراد از دیپلماسی شهری دلالت دارد، زیرا این بعد از تمامی فعالیت‌هایی تشکیل می‌شود که به هدف گرفتن نمایندگی سازمان‌های بین‌المللی در یک شهر انجام می‌شوند. هدف دیپلماسی شهری در کارکرد نمایندگی، تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیرندگان در سطح فراملی است. حضور شهرها در اتحادیه اروپا و شورای اروپا نمونه مناسبی از این مورد است.

شهرها به دو صورت در سازمان‌های بین‌المللی نماینده می‌شوند: درون ساختار سیاسی سازمان و خارج از ساختار سیاسی آن. مشارکت در فرآیند

ارتقاء بخشند (سیمبر، ۱۳۸۷: ۱۴۱). با کاهش محدودیتهای جریان‌های فراملی در دوران جهانی شدن، مقیاس روابط بین شهری و شبکه‌های شهری نیز به سطح جهانی ارتقاء یافت. به گونه‌ای که برخی شهرها به عنوان حلقه واسط شبکه شهری ملی و جهانی عمل می‌کنند و موجب تبدیل شهرهای ملی به شهرهای جهانی می‌شوند (پورا احمد، ۱۳۹۰: ۳۴). امروزه شهرها در سازمان‌های بین‌المللی چندجانبه تمایل به افزایش نفوذ خود در سطح بین‌المللی دارند و در این مسیر از ابزارهای قدرت نرم که توانایی شکل دادن خواسته‌ها از طریق جذابیت را دارد کمک می‌گیرند (Windson, 2000: 52). بدین ترتیب ابزار دیپلماسی شهری و رای دیپلماسی سنتی می‌تواند راه را برای نفوذ شهرها باز نماید. در چنین شرایطی شهرها و منطقه‌ها باید بتوانند از طریق شبکه‌ها نقش ویژه خود را در اقتصاد مبتنی بر اطلاعات پیدا کنند (ممتاز، ۱۳۷۹: ۶۷).

اساسا کارکرد شبکه سازی و یا بعد مشارکتی دیپلماسی شهری در بین سایر ابعاد مورد بحث ناشناخته تر است، زیرا مشارکت بین‌المللی معمولا هدف دیپلماتیکی نیست بلکه بیشتر ابزاری برای دستیابی به اهداف عالی تری از قبیل امنیت و یا سود اقتصادی بیشتر است. با این حال در مورد دیپلماسی شهری، سازماندهی در سطوح جهانی، منطقه ای و قاره ای خود هدفی دیپلماتیک است. توسعه ساختارها، که از آن طریق مفاهیم محلی به سطح ملی راه می‌یابند در جهان پیشرفته امری کاملا متداول است، بر این اساس بسیاری از کشورها انجمن‌های شهری دارند که منافع

تصمیم‌گیری، هدف اصلی دیپلمات‌های شهری در فرایند درون ساختاری است. به طور مثال شهرها در اتحادیه اروپا از طریق کمیته مناطق که ۳۴۴ عضو آن نمایندگان مناطق و شهرهای کشورهای متبوع هستند در فرایند تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند. در حالت برون ساختاری، شهرها اساساً سعی می‌کنند فرایند تصمیم‌گیری را از طریق لابی کردن تحت تأثیر قرار دهند. به عنوان نمونه شهرهایی مانند لندن بطور انفرادی و یا در قالب گروه‌هایی مانند G4 سعی می‌کنند بر فرایند تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا تأثیرگذار باشند (Pluijm, 2007: 30-32).

۴- نتیجه‌گیری

دیپلماسی شهری موضوعی است که اساساً در دوران جنگ سرد و با گسترش فرایند جهانی شدن در چارچوب فضای جریان‌ها مطرح شده و امروز به عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در فضای بین‌الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. ریشه شکل‌گیری دیپلماسی شهری مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است.

شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها مهمترین مسأله هزاره سوم میلادی قلمداد می‌شود. با برداشته شدن مرزهای ملی ناشی از جهانی شدن، جریان‌ها فراملی، روابط بین شهری و شبکه‌های شهری نیز به سطح جهانی ارتقاء یافته است. در این شرایط، ارتباطات بین شهرها در کنار دولت‌ها بطور روزافزون افزایش یافت و قالب سنتی دیپلماسی از

برآورده ساختن نیازهای گفتمانی و ارتباطی در این شرایط خاص و نوظهور که از حضور شهرها و دولت‌های محلی ناشی می‌شد عاجز ماند. دلیل این ناتوانی آن است که روند دیپلماسی سنتی با چارچوب مشخصی برای ارتباط مرزبندی شده دولت‌ها طراحی شده بود، حال آنکه ارتباط گسترده شهرها با یکدیگر در تمامی سطوح نه به شکل مکانی بلکه در فضای جریان‌ها برقرار می‌شود. از طرفی توجه به رشد اقتصادی و گسترش روابط تجاری موجب حضور سازمان‌های مختلف بین‌المللی، غیردولتی و دولت‌های محلی در کنار دولت‌های ملی در عرصه بین‌المللی گردید. این گروه‌ها با استفاده از دیپلماسی شهری به مثابه ابزار ارتباطی، به مشارکت در فعالیتهای بین‌المللی پرداخته و با حضور در شهرها به عنوان مکان استقرار فیزیکی و در عرصه بین‌المللی بعنوان فضای دربرگیرنده مشارکت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شان بر پیشرفت شهرها از کلانشهرها به شهرهای جهانی تأثیرگذار بودند. به عبارتی با تغییر جایگاه کلانشهرها به شهرهای جهانی، شهرها با دربرگرفتن ابزار و امکاناتی که از بکارگیری دیپلماسی شهری در روابط بین‌المللی و شهرباشهر بدست می‌آورند به محل تلاقی سایر شهرها و گره ارتباطی آنها تبدیل می‌شوند که بطور کلی به برجسته‌تر ساختن شکل نوین ارتباط شهرها و چارچوب برقراری این ارتباطات، یعنی دیپلماسی شهری می‌انجامد.

همچنانکه در ابتدای مقاله مطرح شد، مفروض این پژوهش آن است که شهرها در وضعیت کنونی جهان با نقش آفرینی در سطوح فراملی، منطقه‌ای و

• دیپلماسی شهری فضای جدید و موثری برای ایفای نقش شهرها، نهادها و سازمانهای شهری در عرصه ملی و بین‌المللی است. بدون تردید استفاده از این ظرفیت نیازمند هماهنگی نهادهای سطح ملی و سطح محلی است و اینرو لازم است ابتدا اهمیت و نقش شهرها در عرصه بین‌المللی برای مسئولین ملی و محلی مورد تبیین قرار گیرد

• با توجه به پتانسیل‌های مناسب شهری در سطوح محلی و منطقه‌ای اختیارات بیشتری به نهادها و سازمانهای شهری همچون شوراهای شهرداری‌ها واگذار گردد

• شهرهای توریستی نقش بسیار مهمی در زمینه ارتباطات و تعاملات فرهنگی بین‌کشوری دارند و استفاده از این ظرفیت در ایجاد تصویری مطلوب از شهر و کشور مورد نظر در جهان نقش بسزایی دارد

• شهرها می‌توانند از طریق معرفی قابلیت‌های خود و جلب اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی با استفاده از سرمایه و فناوری‌های فراملی به سرعت در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرند

• با توجه به محوریت ایران در جهان اسلام، می‌توان از ظرفیت علمی، فناوری و فرهنگی کلانشهرهای ایران به ویژه تهران برای ایفای نقش و توسعه نفوذ در جهان اسلام در قالب دیپلماسی شهری استفاده کرد.

قدردانی

این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی با موضوع «جایگاه و نقش دیپلماسی شهری در روابط بین‌ملت‌ها» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد است. نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از

جهانی در حوزه‌هایی چون صلح و امنیت، توسعه و رفاه اقتصادی، تعاملات فرهنگی و اجتماعی، حضور در سازمانها و مراکز تصمیم‌گیری بین‌المللی به بازیگری جدید و فعال در عرصه بین‌المللی تبدیل شده‌اند. برای تایید ادعای فوق، تلاش شد نقش و کارکرد شهرها در شش حوزه مختلف و در قالب دیپلماسی شهری مورد بحث قرار گیرد. در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در شرایط کنونی جهان، به دلیل بروز برخی تحولات از جمله گسترش فرآیند جهانی شدن در چارچوب فضای جریان‌ها، افزایش تعاملات و ارتباطات افراد و گروه‌های غیر رسمی و غیر دولتی در سطوح فراملی، گسترش روز افزون شهرنشینی و تبدیل شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلانشهر، ناکارآمدی ابزار و شیوه‌های دیپلماسی سنتی، شاهد نقش‌آفرینی روز افزون شهرها و دولت‌های محلی به عنوان بازیگران نوین عرصه بین‌المللی هستیم.

۵- پیشنهادها

این پژوهش از حیث ماهیت و روش بر تولید ادبیات و مبانی نظری پرداخته است و در واقع تلاش دارد تا به تبیین مفهومی جدید در عرصه دیپلماسی عمومی یعنی «دیپلماسی شهری» پردازد و بر این اساس همانند پژوهش‌های میدانی یافته‌های تحقیق لزوماً نمی‌تواند منجر به ارائه پیشنهادها عملی گردد. با این وجود با توجه به یافته‌های تحقیق و به منظور استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دیپلماسی شهری برای کسب منافع شهروندان در سطوح محلی و ملی، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

حمایت‌های مادی و معنوی این سازمان بابت انجام پژوهش‌های قدردانی نمایند.

منابع

اسکندران، منصوره، (۱۳۹۱)، جایگاه و نقش دیپلماسی شهری در روابط بین‌ملتها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مشهد به راهنمایی دکتر سیدهادی زرقانی
امانی، محمد (۱۳۹۰) "نقش سازمان‌های بین‌المللی در جایگاه جهانی جدید کلانشهرها (با تأکید بر دیپلماسی شهری و مجمع شهرداران آسیایی)"، دانش شهر: شماره ۳۱ بهار ۱۳۹۰ گروه پژوهشی: مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی امور مناطق، تهران.

ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۹) دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی، انرژی هسته‌ای)، مؤسسه فرهنگی و تحقیقات ابرار معاصر، تهران.

بیات، محمود (۱۳۸۵) دیپلماسی دیجیتال، پژوهشی در تحولات دیپلماسی معاصر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

بیکی، مهدی (۱۳۸۸) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه امام صادق، تهران.

پوراحمد، احمد. مهدی قرخلو. سیروس موسوی (۱۳۹۰) "بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی"، باغ نظر، شماره شانزده، سال هشتم، بهار ۲۹-۴۲، بیجا.

خراسانی،

رضا (۱۳۸۹)

<HEAD></HEAD>
<http://www.w3.org/1999/xhtml>

<TITLE> جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی </TITLE>
زرقانی، سیدهادی و منصوره اسکندران، (۱۳۹۱)، شهرهای جهانی در دیپلماسی شهری و ژئوپلیتیک شهری، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران،
سلیمی، حسین (۱۳۸۴) نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهانی شدن، سمت، تهران.
سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۹) نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، نشر سفیر، تهران.
سیمبر، رضا. ارسلان قربانی شیخ‌نشین (۱۳۸۷) روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی، سمت، تهران.
شورت، جان رنای. یونک هیون کیم (۱۳۸۴) جهانی شدن و شهر، ترجمه (پانته آ لطفی)، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
طباطبائی، علی (۱۳۸۶) ایران و سازمان‌های بین‌المللی در هزاره سوم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
قورچی، مرتضی. محمد امانی (۱۳۸۸) "دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی شدن"، دانش شهر: شماره ۷ بهمن ماه، گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و دیپلماسی شهری، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی، تهران.
قورچی، مرتضی (۱۳۸۹) رقابت کلان‌شهرها در عرصه‌های فراملی با استفاده از ابزار استراتژی، یابی، مجله اقتصادشهر، شماره ۷، پائیز، تهران، صص ۵۵-۴۴.

- واعظی، محمود. افسانه احدی (۱۳۸۹) دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، گروه پژوهشی سیاست خارجی، تهران.
- یزدان پناه درو، کیومرث (۱۳۸۹) اتحادیه شانگهای (چشم اندازه‌ها، بیم و امیدها)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- Bartomeu, Munoz (2006) "Report of Conference on the Role of Local Authorities in Peace building": Barcelona.
- Canill, Kevin.M (2000) Preventive Diplomacy, Stopping Wars Before They Start, Routledge, New York.
- CERFE (2003) Glocalization Research Study and Policy Recommendation, Rome. <http://www.cpi.hr/download/links/hr/4297.pdf>.
- Costas, Constantine (2006) Human Diplomacy and Spirituality, Netherland Institute of International Relations, Clingendael.
- Dembinski, Ludwic. DordnechtNijhoff (1988) Modern Low of Diplomacy, online.
- Hemert, Chris Van (2008) a case study in city diplomacy (the municipal Alliance in Peace in Middle East), online.
- Knappe, Anders (2006) Report of Conference on the Role of Local Authorities in Peace building, Barcelona, online.
- Knip, Peter (2009) company profile VNG International, VNG, Hague.
- Martine, George (2008) Global Frontier, Urbanization, Poverty and Environment in the 21st century, Earthscan, London.
- Melissen, Jan (2011) Beyond the New Public Diplomacy, Netherland Institute of International Relations, Hague.
- Nicolson, Harold (1960) Diplomacy, Oxford University Press, New York.
- Panikkar, K.M (1957) the Principles and Practice of Diplomacy, Np.
- Pluijm, Rogier Van Der. Jan Melissen (2007) "City Diplomacy: The Expanding Role of Cities in International Politics", Netherlands Institute Of International Relations, Clingendael.
- کسینجر، هنری (۱۳۸۳) دیپلماسی، ترجمه: فاطمه سلطانی یکتا و رضا امینی، اطلاعات، تهران.
- گیلوآ، ایتان (۱۳۸۸)، ارتباطات جهانی و سیاست خارجی. ترجمه حسام الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۸) "سیاست خارجی در عصر کثرت گرایسی سیاسی و فرادولت گرایسی"، نامه مفید، تابستان، شماره ۱۸، صص ۱۵۲-۱۲۳.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹) "بررسی الگوهای حل و فصل منازعات و ارائه مدل بهینه حل منازعات سرزمینی"، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان، فصلنامه ژئوپولیتک، تهران، صص ۲۸-۱.
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹) جامعه شناسی شهر، انتشار، تهران.
- موسسوی شفتائی، مسعود (۱۳۸۹) "دیپلماسی شهری (ابزاری برای توسعه ملی در عصر فضای جریانها)"، دانش شهر: شماره ۱۸ شهریور، تهران: گروه پژوهشی: مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی امور مناطق.
- نای، جوزف (۱۳۸۷) رهبری و قدرت هوشمند، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۷) تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس
- هادیان، ناصر. افسانه احدی (۱۳۸۸)، "جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی"، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۱۷-۸۵.

- (2006) City Diplomacy, UCLG committee on city diplomacy, Marrakech.
- Vourc'h, Anne (2003) Tourism and Local Agenda1, the Role of Local Authorities in sustainable Tourism, UNEP, online.
- Wijnen, Emmy (2010) "City Diplomacy: A case study of Velsen's activities in Galle", Sri Lanka.
- Windson, A. Smith (2000) "Hardpower, Softpower, Reconsidered", Canadian Journal, Online.
- Rourke, John T. (2008) International politics on the world stage, McGraw Hill, New York.
- Ruet, Joel. Lama Rewal, Stephanie tawa (2009) Governing India's Metropolises, Routledge, New Delhi.
- Taylor, M. Philip (2009) Routledge handbook of public diplomacy, Routledge, New York.
- Thonon, Cecile Barbeito (2006) City Diplomacy Practices, city diplomacy office of diputacio Barcelona, Barcelona.
- UCLG (2008) the Hague Agenda on City Diplomacy, UCLG, Hague, online. UCLG